

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر - اسن - المان

## شراب

تو نگفتی ، بیا شراب خوریم  
فصل پیری به یاد شتاب خوریم  
وسکی و ، واین و ، ودکه خالص  
یک یکی کرده انتخاب خوریم  
فرق ، از دست و پای نشناسیم  
عرق خالص گلاب خوریم  
ساقی گلرخ ، طلا مویی  
گر دهد آتش مذاب خوریم  
من نگفتم که تو ، به من گفتی  
ساغری از شراب طاب خوریم  
لیک ، یار و رفیق دیگری ما  
بخدا گفت ، با جناب خوریم  
گفت ! چند بار وعده کرد و شکست  
تازه بندیم و با شتاب خوریم  
در شب جشن (سال نو) بر من  
گفت ! باهم رحیق ناب خوریم

گفتم هرگز ندارم عادت می  
ورنه بالا تر از حساب خوریم  
گفت! سال نو است ، توبه شکن  
با نوازی نی و رباب خوریم  
رقص ، رقصان میان مهرویان  
پای کوبان ، به پیچ و تاب خوریم  
گر بخواهی کسی خبر نشود  
گوشه ای رفته در غیاب خوریم  
عاقبت خواند شعر ( وعده خلاف )  
که ترا گفته ، بی حجاب خوریم  
گفت! بر درد دل کنم نشرش  
کس نفهمد ، در احتجاب خوریم  
گفتمتش! ای برادر گل من  
از می و باد ، اجتناب خوریم  
ور بخواهی شراب روحانی  
هردم از ساغر و هاب خوریم  
ناگهان ، خامه ام به جولان شد  
گفت! بیجاست گر زکاب خوریم  
نامه از خون دل شدی رنگین  
حال از طعنه اش خضاب خوریم  
تا دفاع کردم از جناب شما  
تیغ بیداد ، بر رقاب خوریم  
آنچه را گفت ، ساده بنوشتم  
جام بیدار را به خواب خوریم  
من ز ( **ودکّه** ) و ( **بار** ) بیخبرم  
که به دامن ، ز هر قطاب خوریم  
تو که دیوار خشکی و بی نم  
بهر چه نم کشیده آب خوریم  
از چه رو پر ببندی بر سر خویش

گویی شبهای ماهتاب خوریم  
لب به می ، تر نکرده ام هرگز  
غوطه در بحرِ انجذاب خوریم  
تهدمتی را نبسته ام به کسی  
قَسَمِ خامِ ارتکاب خوریم  
شاعری ، مایهٔ فساد شده  
طعنۀ دار ، از طناب خوریم  
« نعمتا » حرفِ حق مزین دیگر  
کز پدر ، تیغِ ارتباب خوریم